

روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود سرمایه فکری

عبدالکریم مقدم^۱، نادیا سلمانی^۲

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور واحد عسلویه

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری پیام نور واحد عسلویه

چکیده

امروزه مدل جدیدی از دارایی‌ها در عرصه سازمانی مطرح شده‌اند، مدل‌های رقابتی تغییر کرده‌اند. در این زمینه، جامعه وارد دوره‌ای شده است که در آن دارایی‌های نامشهود، بزرگ‌ترین دارایی‌های یک شرکت هستند. با این حال، برخی شکاف‌ها و عدم قطعیت‌ها در متون نشان داده شده‌اند تا ارزش یک شرکت مبتنی بر فعالیت‌های متمرکز بر علم و دانش درک شود ابعاد موثر بر سنجش سرمایه فکری به ترتیب سرمایه انسانی، نوآوری، مشتری، رابطه‌ای، سرمایه ساختاری می‌باشند. در روش فوق مهم‌ترین عوامل موثر بر سنجش سرمایه فکری به ترتیب توانمندسازی ذهنی و فکری، توانایی انجام وظایف می‌باشد. هدف از این مقاله، بررسی روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود در زمینه مدیریت کسب و کار، اقتصادی و استراتژیک است. این یک تحقیق کیفی است. این پژوهش به‌عنوان یک پژوهش توصیفی، کتاب‌شناختی، قیاسی شناخته شده است. نتایج اصلی این تحقیق می‌تواند وجود روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود تعیین شده برای صنایع ویژه‌ی سهامی خاص و عام را برجسته سازد؛ دارایی‌هایی که به طرز بهتری به زمینه‌ی مدیریت کسب و کار، اقتصاد و استراتژیک تراز می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: روش‌ها، سرمایه فکری، دارایی‌های نامشهود، روش‌های ارزیابی.

۱. مقدمه

اقتصاد جهانی تحولات ثابت و قابل توجهی را از سر گذرانده است. یکی از اثرات اصلی چنین تحولاتی، افزایش ارزش دارایی‌های نامشهود، با توجه به منابع تولید سازمانی است. با جهانی شدن اقتصاد، تقاضای بیشتری برای اطلاعاتی وجود دارد که تغییرات شیوه اندازه‌گیری وثیقه سازمان‌ها را تحمیل می‌کند.

دارایی‌های نامشهود در این زمینه، به‌طور فزاینده‌ای مهم هستند و بر رقابت سازمانی تأثیر می‌گذارند.

در میان نویسندگان این حوزه، اسویی (۲۰۰۴) که چندین مطالعه را منتشر کرد، الهام بخشی برای این پروژه بوده است. هدف این تحقیق، بررسی روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود در زمینه مدیریت کسب و کار، اقتصادی و استراتژیک است.

مطالعات متعددی در مورد دارایی‌های نامشهود و سرمایه فکری صورت گرفته است (استوارت^۱، ۱۹۹۷؛ بنتیس و همکاران^۲، ۱۹۹۹؛ سولیوان^۳، ۲۰۰۰؛ مک فرسون و پیک^۴، سیلوا و همکاران^۵، ۲۰۰۲؛ میلوست^۶، ۲۰۰۷).

در میان این مطالعات، برخی نویسندگان دارایی‌های نامشهود را مترادف با سرمایه فکری در نظر گرفته و برخی دیگر آن‌ها را از هم تمییز می‌دهند. اسویی (۲۰۰۴) سرمایه فکری را به‌عنوان یک منبع استراتژیک و طبق مطالعات لو (۲۰۰۱)، اصطلاحات دارایی‌های نامشهود (در ادبیات حسابداری)، دارایی‌های مبتنی بر دانش (توسط اقتصاددانان) و سرمایه فکری (در حوزه‌های مدیریت و قانون) می‌توانند جایگزین هم شوند. در عمل، این اصطلاحات اساساً مطابق با یک استحقاق غیر فیزیکی برای مزایای

آینده است. ویژگی دارایی‌های مبتنی بر دانش، گران بودن دستیابی و توسعه‌ی آن و همچنین مدیریت دشوار آن می‌باشد.

هاس و همکارانش (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که دارایی‌های نامشهود منابع مزیت رقابتی پایدار برای سازمان‌ها هستند. علاوه بر این، بر اهمیت روش ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود برای حمایت از امور مختلف اداری مانند تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، مذاکرات با وام‌دهندگان و افزایش سرمایه‌گذاران تأکید می‌کنند. پس از بخش مقدمه در بخش بعدی، با روش‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود و سرمایه فکری سروکار خواهیم داشت. در ذیل موارد روندهای روش‌شناختی و تجزیه و تحلیل داده‌ها را ارائه نموده و نهایتاً ملاحظات قطعی مراجع را نشان می‌دهیم.

۲. سرمایه‌ی فکری

امروزه سازمان‌ها بر اساس دارایی‌های فکری خود در یک اقتصاد دانشی رقابت می‌کنند و در آن عملکردهایی که نیاز به مهارت بیشتری دارند، توسط کارکنان با دانش انجام می‌شود و سازمان‌هایی که از تجربیات گذشته‌شان پیشرفت می‌کنند، سازمان‌های یادگیری هستند. در این سناریوی نوآوری و با نیاز مداوم سازمان‌ها برای جستجوی محصولات و خدمات بهتر، سرمایه‌ی فکری شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای موقعیت‌های رقابتی‌شان را تعیین می‌کند.

با توجه به مطالعه‌ی رودریگز و همکارانش (۲۰۰۹)، سرمایه فکری شامل توانایی یک سازمان خاص برای تبدیل دانش و دارایی‌های نامشهود به ثروت و همچنین ایجاد منابع می‌باشد. مدیریت سرمایه فکری به‌نوبه خود فرایند استخراج ارزش دانش است. همچنین اشاره می‌کنند که تمام منابع نامشهود به‌عنوان سرمایه فکری در نظر گرفته می‌شود که اجزای آن سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی است.

¹ Stewart

² Bontis et al

³ Sullivan

⁴ McPherson and Pike

⁵ Silva et al.

⁶ Milost

لو (۲۰۰۱) اشاره می‌کند که سرمایه فکری را می‌توان از طریق منابع انسانی با نوآوری و شیوه‌های سازمانی ایجاد کرد. در این معنا، سرمایه ساختاری نتیجه مجموع دانش همه اعضای سازمان است. سرمایه فکری یک جسم فیزیکی یا مالی ندارد، بلکه به‌عنوان حقی برای دریافت مزایای آینده محسوب می‌شود. دانش در حال حاضر یکی از ابزارهای رقابتی اصلی و جزئی از سرمایه‌ی انسانی به کار گرفته شده در تمام نوآوری‌ها است.

با توجه به گفته‌ی راشا (۲۰۱۲)، سرمایه انسانی یک سازمان مرکب از شایستگی‌ها، دانش، ظرفیت، استعداد و فوت‌وفن، نگرش، مجراها، انگیزه، عملکرد و اخلاق مردم، ارزش‌ها، نگرش‌ها، ظرفیت خلاقیت و نوآوری، رضایت‌مندی و وفاداری و همچنین چالاکی، مهارت فکری و تجارب کارکنان و مجریان است.

سرمایه ساختاری به نوبه خود چیزی است که سازمان می‌تواند از کارکنان خود جذب کند، حتی زمانی که دیگر نخواهند آنجا کار کنند. این شامل مجموعه‌ای از دارایی‌های نامشهود و دانش ناشی از فرایندهای سازمانی است که متعلق به سازمان هستند و زمانی که کارکنان آنجا را ترک می‌کنند، باقی می‌ماند و حفظ می‌شوند. (آندرسون و مک‌لین، ۲۰۰۰)^۱ طبق نظر رزنده (۲۰۰۱)، سرمایه فکری به‌وسیله دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌شود و می‌تواند به سه دسته مجزا تقسیم شود: دارایی‌های بازار، دارایی‌های صلاحیت فردی و دارایی‌های ساختاری. لازم به ذکر است که توصیف این عناصر مشابه آنچه توسط لو (۲۰۰۱) رودریگز و همکارانش (۲۰۰۹) و راشا (۲۰۱۲) ارائه شده است، می‌باشد.

باوجود التزام اندازه‌گیری، هاس (بوم و همکاران، ۲۰۰۰)^۲ اشاره می‌کند که دارایی‌های دانش، علاوه بر دشوار بودن اندازه‌گیری، اندازه‌گیری، کنترل سختی نیز دارند. به این معنا، وقتی دانش به برخی منصفه‌های فیزیکی می‌رسد می‌توان آن را به‌آسانی اندازه‌گیری کرد؛ اما این موضوع رخ نمی‌دهد، برای مثال یک ایده‌ی روشن را می‌توان دزدید و حتی شرکت‌های رقیب از آن استفاده می‌کنند و این امر موجب می‌شود تا اندازه‌گیری دانش قطعی نباشد.

برایچ کلین (۱۹۹۸)، سرمایه فکری شرکت‌ها شامل تجربه، دانش، تخصص و چندین دارایی نامشهود می‌شود. این مجموعه که سرمایه فکری را تشکیل می‌دهد، شرایط رقابتی در بازار را تعیین می‌کند نه سرمایه فیزیکی و مالی آن. در این سناریو، گردآوری دانش مجموع اعضای گروه اهمیت قابل‌توجهی در محیط کسب‌وکار و در مورد دارایی‌های نامشهود دارد. در محیط سازمانی، مهارت‌های ایجاد، افزودن و استفاده از دانش و مهارت‌ها به‌طور فزاینده‌ای موردنیاز است.

از سوی دیگر، رزنده (۲۰۰۱) تأکید می‌کند که سرمایه فکری توسط ظرفیت ذهنی تشکیل شده است و افراد باید فعالیت‌های خود را به نحوی کارآمد و خلاقانه انجام داده و همچنین توان بالقوه نوآوری خود را نشان دهند. نویسندگان معتقد است که این دارایی‌های نامشهود عبارت‌اند از: ارتباط با مشتریان و تأمین‌کنندگان و سطح بالایی از موفقیت با تحقیق و توسعه محصولات است که سازمان‌ها را از رقبای خود تمییز می‌دهد.

در این مطالعه، نویسندگان نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در سرمایه فکری پس از یک سال به درآمد تبدیل می‌شود و نتیجه می‌گیرند که سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در سرمایه ممکن است بازده قابل‌توجهی داشته باشند. علاوه بر این، بسیاری از سازمان‌ها تشخیص داده‌اند که سرمایه فکری منبع اصلی مزیت رقابتی است که باید به‌طور سامانمند مدیریت شود (کلین، ۱۹۹۸).

با توجه به اطلاعات ارائه‌شده، می‌توان دید که در رابطه با ارزش‌گذاری دانش به‌عنوان یک فاکتور تمایز سازمانی با دیگر رقبایشان، توافقی بین نویسندگان وجود دارد. برخلاف دیدگاه قبلی که فقط کالاهای مادی یا دارایی‌های فیزیکی را اولویت‌بندی می‌کرد؛ شروع به ارزش‌گذاری بر روی نوآوری، خلاقیت و دانش (بوم و همکاران، ۲۰۰۰) کرد و بنابراین عنصر انسانی در بالاترین سطح ممکن قرار گرفت.

چندین روش، مدل و ابزار برای ارزیابی سرمایه فکری وجود دارد. بااین‌حال، هیچ ابزار ارزیابی را نمی‌توان غیرقابل‌منزاعه در نظر گرفت. شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای به دنبال توسعه روش‌های کارآمدتر هستند؛ زیرا بازار در بسیاری از مذاکرات برای سازمان‌ها چیزی بیشتر از آنچه در موارد حسابداری رسمی وجود دارد، به ارمغان آورده است (بوم و همکاران، ۲۰۰۰).

¹ Andersen, R. and McLean, R. 2000

² Baum, C. I et al.

۲.۱- فرایند مدیریت سرمایه فکری:

در این مقاله، پنج مرحله برای مدیریت موفق سرمایه فکری بیان شده که در قالب شکل نشان داده شده است. در مرحله اول باید سرمایه فکری تعریف و شناسایی شود؛ یعنی باید معیارهای شناسایی آن مشخص شود تا بر این اساس، بتوان ارزش واقعی داراییهای فکری سازمان را تعیین کرد. مشخص کردن اینکه چه اقلامی جزو سرمایه فکری هستند، از این نظر مهم است که می تواند به سازمان در جهت رسیدن به اهدافش کمک کند در مرحله دوم، سرمایه فکری از نظر محرکهای ارزش، مورد ارزیابی قرار گیرد (بنیتیس، ۲۰۰۱).^۱ منظور از محرکهای ارزش، عواملی هستند که موجب تغییر در ارزش سرمایه فکری می شوند و آن را تحت تاثیر قرار می دهند این محرکها باید بر اساس یک طرح استراتژیک و برنامه هدفمند مشخص شوند در مرحله سوم، اطلاعات مدیریتی گیری دقیق و معناداری در رابطه با اندازه گیری عملکرد سرمایه فکری جمع آوری می شود. در مرحله چهارم اطلاعات مدیریتی جمع آوری شده در مرحله قبلی برای تجزیه و تحلیل عملکرد و بهبود عملیات مدیریتی در زمینه آموزش و تصمیم گیری در سازمان مورد استفاده قرار می گیرد. در مرحله آخر نیز گزارشهای خارجی در رابطه با عملکرد سازمان در زمینه سرمایه فکری اش در طول یک یا چند دوره مالی فراهم می شوند (انواری رستمی و سراجی، ۱۳۸۴).

۲.۲- ویژگیهای سرمایه فکری

با وجود شباهت سرمایه فکری با داراییهای مشهود، در توانایی بالقوه برای ایجاد جریانهای نقدی آتی، اما ویژگیهایی که سرمایه فکری را از این داراییها متمایز کرد اند عبارتند از:
داراییهای فکری، داراییهای غیر رقابتی بر خلاف داراییهای فیزیکی هستند که فقط می توانند برای انجام یک کار به خصوص در یک زمان خاص مورد استفاده قرار بگیرند، داراییهای فکری را می توان به طور همزمان برای چند امر برای مثال، سیستم خاص به کار گرفت (مدهوشی و اصغر نژاد امیدی، ۱۳۸۸).
می تواند، امکان پشتیبانی از مشتری حمایت از هزاران مشتری را در یک زمان خاص فراهم کند. این توانایی یکی از مهمترین معیارهای برتری داراییهای فکری بر داراییهای فیزیکی است.
سرمایه انسانی و سرمایه رابطه ای قابلیت تبدیل به مالکیت شخصی ندارند، بلکه باید بین کارکنان و مشتریان مشترک باشند بنابراین تامین و رشد این نوع از داراییها نیاز به مراقبت و توجه جدی دارد (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸).

۳.۲- روشهای اندازه گیری سرمایه فکری:

از نظر ویلیام (۲۰۰۲) روش های مختلف را می توان در قالب چهار گروه اصلی قرار داد

الف) روشهای بازده دارایی ها

ب) روشهای سرمایه گذاری بازار

ج) روشهای سرمایه فکری مستقیم

د) روشهای کارت امتیازی

روش های بازده دارایی ها: عبارت اند از برآورد ارزش پولی دارایی های نامشهود یا سرمایه فکری، به وسیله شناسایی عناصر مختلف تشکیل دهنده آن ها. طبق این روش ها یک بار ارزش عناصر به صورت تک تک محاسبه می شود و سپس مجموع ارزش طبقات مختلف آن ها بیانگر ارزش دارایی مربوطه است.

ب) روشهای بازار سرمایه گذاری (روشهای تشکیل بازار سرمایه)

این روش ها، بر اساس محاسبه تفاوت بین سرمایه گذاری بازار شرکت و سرمایه سهامداران آن و در نظر گرفتن مابه التفاوت به عنوان دارایی های ناملموس یا سرمایه فکری است. بنابراین اگر بر مبنای قیمت جاری سهام در بازار اوراق بهادار، ارزش بازار شرکت برابر ده میلیارد ریال باشد اما مجموع سرمایه شرکاء برابر یک میلیارد ریال باشد، در این صورت ارزش ریالی سرمایه فکری شرکت برابر نه میلیارد ریال خواهد بود (آندرسون و مک لین، ۲۰۰۰).

¹ Bontis, N

ج) روشهای سرمایه فکری مستقیم:

این روش ها، مقدار پولی دارایی های فکری را به وسیله شناسایی اجزای مختلف این قبیل دارایی ها پیش بینی می کنند، یک بار که این اجزا شناسایی شدند، می توانند بطور مستقیم مورد ارزیابی قرار گرفته یا می توانند با یکدیگر ترکیب شده تا ارزش نهایی سرمایه فکری سازمان حاصل شود. همانطور که اشاره شد این روش ها بر شناسایی اجزاء دارایی های دانش متمرکز هستند. به عنوان نمونه از اجزای دارایی های بازار می توان به وفاداری مشتری، از اجزای دارایی های ناملموس می توان به حق امتیازات ثبت شده، از اجزای دارایی های فن آوری می توان به دانش فنی و از اجزای دارایی های انسانی می توان به آموزش و از اجزای دارایی های ساختاری می توان به سیستم های اطلاعاتی اشاره کرد (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹).

د) روشهای کارت امتیازی:

در این روش ها، اجزای مختلف دارایی های نامشهود یا سرمایه فکری شناسایی شده و برای آنها شاخص های تهیه شده در کارت های امتیازی گزارش می شوند و یا این که در نمودارها به نمایش در می آیند. روشهای کارت امتیازی شبیه به روش های سرمایه فکری مستقیم هستند با این تفاوت که در این روش ها هیچ گونه تخمینی از ارزش های مالی دارایی های نامشهود صورت نمی گیرد (قلی زاده و باقری، ۱۳۹۲).

۴.۲- اهداف اندازه گیری سرمایه فکری

* برای کمک به سازمان ها در جهت فرموله کردن استراتژیهای شان؛

برای ارزیابی نحوه اجرای استراتژیها*

* کمک به گسترش و تنوع تصمیمگیریهای شرکت؛

* ارزیابی های غیرمالی سرمایه فکری می تواند به طرحهای باز پرداخت و پاداش های مدیران، ارتباط داده شود؛

* جهت ایجاد رابطه با سهامداران خارج از شرکت که سرمایه فکری را در اختیار دارند.

سه هدف اول از این مجموعه، به تصمیمگیریهای داخلی مربوط می شوند و هدف از آنها حداکثر کردن عملکرد عملیاتی شرکت ها، برای ایجاد درآمد از طریق حداقل هزینه و بهبود مستمر در روابط با مشتریان و تأمین کنندگان و سهم بازار است. اندریسن نیز اعتلای مدیریت داخلی، بهبود گزارشگری خارجی و انگیزه های قانونی و معاملاتی را از جمله دلایل مورد چهارم به ایجاد انگیزههای اجرایی مربوط می شود و هدف پنجم به ایجاد انگیزه برای سهامداران خارج از سازمان اشاره میکند. اندریسن نیز اعتلای مدیریت داخلی، بهبود گزارشگری خارجی و انگیزههای قانونی و معاملاتی را از جمله دلایل اندازه گیری سرمایه فکری بر می شمرد (انواری رستمی و سراجی، ۱۳۸۴).

۵.۲- گزارشگری سرمایه فکری

مرحله نهایی در مدیریت سرمایه فکری، فرایند گزارشگری آن است افشای ارزش سرمایه فکری می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. اگرچه همه این دلایل جزو اهداف کلیدی هستند، اما هدف اصلی، تهیه اطلاعات مفید برای سهامداران سازمان است سهامداران نیز دارای نیازهای اطلاعاتی مختلفی هستند که رویه شرکت باید بر مبنای افشای آن دسته از اطلاعاتی باشد که بتواند نیازهای اطلاعاتی گروه بیشتری را تامین کند. استفاده کنندگان از اطلاعات مربوط به سرمایه فکری شامل گروههای زیرمی شود (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹).

* سهامداران و سرمایه گذاران

* تحلیل گران مالی

* سایر افراد

۳- دارایی‌های نامشهود

دارایی‌های نامشهود دارایی‌هایی هستند که اساساً از دانش منشأ می‌گیرند و نمی‌توان آن‌ها را لمس کرد زیرا جسم فیزیکی ندارند. همان نویسندگان در نظر می‌گیرند دانش و مهارت‌های مفهومی، فرهنگ و ارزش‌ها، فناوری و دانش صریح، مدیریت فرآیند، دارایی‌ها (تصویر، روابط مشتری، شبکه‌ها) تولیدکننده‌ی دارایی‌های نامشهود هستند (بنتیس، ۲۰۰۱).

دارایی‌های نامشهود توسط هاس و همکارانش (۲۰۰۹) به‌عنوان نتیجه‌ی منابع انسانی موردتوجه قرار می‌گیرند که با تلاش‌های این منابع در راستای ایجاد ساختار درونی دانش، ایجاد می‌شوند. علاوه بر این، دارایی‌های نامشهود در چندین موقعیت، بالاترین ارزش سازمانی را نشان می‌دهند؛ گرچه به‌طورکلی به دلیل محدودیت قانونی یا حسابداری در اظهارات حسابداری اندازه‌گیری نمی‌شوند.

در هنگام ارزیابی سودآوری و نیز عملکرد یک کسب‌وکار خاص، به‌منظور منعکس نمودن بازده سرمایه‌گذاری و یا سهام، سرمایه نامشهود باید لحاظ گردد. دارایی‌های نامشهود مانند محصولات نرم‌افزاری، برندها و / یا پروژه‌های سازمانی متمایز، به‌درستی در ترازنامه سازمان‌ها اثبات نشده‌اند.

در این زمینه، تاکید می‌کنیم که امروزه دارایی‌های نامشهود یکی از مهمترین منابع مزایای رقابتی سازمانی است. علاوه بر این، دانش به‌عنوان یک منبع اقتصادی پذیرفته شده است و با توجه به این قضاوت و مشهودیت، یکی از بزرگترین چالش‌های حسابداری است. شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود مربوط به مدیریت سازمانی، ارزیابی استراتژی‌های تطبیق‌کننده و راهنمای تصمیمات ارائه دهندگان سرمایه است (سیدلر، ۲۰۱۴).^۱

علاوه بر این، مولر و تلو (۲۰۰۳) اضافه می‌کنند که سازمان‌ها ارزش‌های مشخصی در حقوق صاحبان سهام خود دارند که بسیار متفاوت از آن چیزی است که توسط آنها خرید و فروش می‌شود. نویسندگان مطرح می‌کنند که ارزیابی شرکت‌ها شامل متغیرهای متفاوتی از متغیرهای عینی (قیمت سهام و حقوق صاحبان سهام) مانند اعتبار در بازار، ارزش نام تجاری یا محصولات در میان دیگران نیز هست که به آنها متغیرهای ذهنی می‌گویند.

ارزش تجاری در ارزیابی شرکت می‌تواند تحت تاثیر چندین عامل درونی و بیرونی قرار گیرد. عوامل خارج از این فرایند عبارتند از مواردی که کنترل شرکت بر روی آنها کم است یا هیچ‌کند بر روی آنها ندارد. عوامل داخلی، به‌نوبه‌خود، آنهایی هستند که شرکت توانایی مدیریت آسانشان را دارد. به علت تأثیر عوامل بسیار، ارزش شرکت مسئله‌ای است که پیامدهای آن در حوزه‌ی حسابداری است (سیدلر، ۲۰۱۴).

با توجه به شکاف بین ارزش تجاری شرکت‌ها (ارزش بازار سهام) و ارزش ثبت شده توسط حسابداری، ورنکه (۲۰۰۲) بیان می‌کند که باید به دو نکته توجه کرد. یکی این است که به‌طور موثر اصطلاحات "ارزش تجاری سرمایه" و "ارزش دفتری سرمایه" را متوجه شویم؛ و نکته دیگر این است که بدانیم که چه عواملی در مظنه سهام بورس اوراق بهادار، با توجه به ویژگی‌های بازار سهام و اصول حسابداری، دخیل هستند.

در نهایت، ارزیابی دارایی‌ها تنها "یک مفهوم یا روش ایده آل نیست و نمی‌توان تعریف و تعمیم داد که کدام روش برای یک مورد یا هدف مناسب است". در واقع، تمام روش‌ها دارای خصوصیات و محدودیت‌های خاص خود هستند و برای ارزیابی تطابق با الزاماتشان باید آنها را به دست ارزیاب سپرد. علاوه بر این در فرایند ارزیابی دارایی، مشکل تنها انتخاب مناسبترین روش نیست؛ بلکه همچنین افزایش داده‌ها و اطلاعاتی است که برای این منظور ضروری می‌باشد (سیدلر، ۲۰۱۴).

۴. رویه‌های روش شناسی

بر طبق گزارش آمیدا (۲۰۱۱)، گیل (۱۹۹۹)، این تحقیق عنوان کاربردی را همراه خود دارد؛ زیرا از دانشی استفاده می‌کند که سیستماتیک شده است و هدف آن تولید دانش برای کاربرد عملی است. طبقه بندی تحقیق در رابطه با رویکرد کیفی است

^۱ Sydler, R et al.

و دارای یک رویکرد الگویی، بدون استفاده از ابزار آماری است. رویه های روش شناسی به صورت یک مطالعه کتابشناختی - با استفاده از ماده ی منتشر شد- و مستند- از طریق تجزیه و تحلیل اسناد اصلی، طبقه بندی می شوند. همچنین به عنوان یک مطالعه توصیفی شناخته شده است و هدف آن توصیف عینی مطالعه و ویژگی های (آن است (گیل^۱، ۱۹۸۶؛ لاکاتوس و مارکونی^۲، ۱۹۹۱). این تحقیق از داده های اولیه ای استفاده میکند که از کتاب ها، مقالات، نشریات و وب سایت ها به دست آمده است. داده ها در زیر تجزیه و تحلیل و ارائه می شوند.

برای انجام پژوهش حاضر، یک "جستجوی پیشرفته" توسط مقالاتی در چندین پایگاه داده انجام شده است که در وب سایت علمی آن را ذکر میکنیم. جستجوها در پایگاه داده ها ابتدا با کلمات کلیدی ذیل انجام شد: "ارزش افزوده اقتصادی"، "سرمایه فکری"، "حسن نیت"، "اندازه گیری". این پژوهش به منظور جستجو برای شغل هایی که شامل کلمات کلیدی ذکر شده تنها برای "عنوان" هستند، محدود شد. علاوه بر این، یک فیلتر دیگر تنها برای جستجوی مقالات در زبان انگلیسی و منتشر شده در ده سال گذشته، اعمال شده است. مطالعات متعددی یافت شد؛ اما پس از خواندن عناوین، خلاصه ها و کلمات کلیدی، معلوم شد که بدون توجه به موضوع پژوهش حاضر با چندین موضوع سروکار دارند.

بنابراین، جستجو به سایر نشریات، وب سایت ها و کتاب های این حوزه گسترش یافت و موضوع محدود نشد؛ اما به طور خاص به دنبال موادی بود که بتواند هدف مطالعه را برآورده کند و این مواد شامل تجزیه و تحلیل روش های ارزیابی دارایی های نامشهود در زمینه مدیریت کسب و کار، اقتصادی و استراتژیک می شد. در آن زمان جستجوهای جدید با استفاده از کلمات کلیدی ذکر شده در مقالاتی که بیشترین ارتباط را با موضوع مذکور داشتند، انجام شد؛ کلمات و عباراتی مانند: "سرمایه فکری، دارایی های نامشهود"، "نامشهودات، مدیریت، اندازه گیری"، "حسابداری؛ ارزیابی حسابداری؛ عملکرد مالی؛ دارایی های نامشهود؛ سرمایه فکری؛ اندازه گیری؛ ارزیابی ها"، "نامشهودات، سرمایه فکری"، "نامشهودات، حسابداری"، "حسابداری برای نامشهودات". اصول و مواد انتخاب شده، خواننده و گزینش گشته و مناسبترین آنها برای کار بر روی پژوهش فعلی تحلیل و بررسی شد.

۵. تحلیل و بررسی داده

بخش فعلی یعنی تجزیه و تحلیل داده ها به روش توصیفی و مقایسه ای صورت می گیرد. داده های جمع آوری شده ی تحقیق حاضر، توسط معیارهای از پیش تعریف شده ی اطلاعات متون، تجزیه و تحلیل شد. این معیارها شامل تجزیه و تحلیل جنبه هایی مانند: سال انتشار روش؛ نویسنده روش؛ هدف از روش؛ بخش های لحاظ شده ی روش است.

بر اساس تعریف این تحقیق، متوجه می شویم که توسعه روش های ارزیابی دارایی های نامشهود و سرمایه فکری از سال ۱۹۸۸ افزایش چشمگیری داشته است. علاوه بر این، می فهمیم سالی که در آن روش های بیشتری برای ارزیابی توسعه یافت، سال ۲۰۰۲ بود که پنج روش ارائه شد. در سال های ۱۹۹۷، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ هر ساله چهار روش توسعه یافته است که همگی در رتبه ی دوم قرار دارند (اسوی^۳، ۲۰۱۰).

علاوه بر این مشخص شد که بعضی از نویسندگان بیش از یک روش ارزیابی دارایی های نامشهود را، هم به صورت جداگانه و هم در گروه ها، تعریف کرده اند. نویسندگانی که هر کدام دو روش را توسعه دادند، عبارت بودند از: لوی: درآمدهای سرمایه ی دانش و (رتبه بندی TM)^۴ زنجیره ی ارزش؛ استورات: ارزش نامشهود محاسبه شده (سی ای وی)^۵ و ارزش افزوده ی اقتصادی EVATM (با مشارکت استرن)؛ ادوینسون (با روس، روس، دراگونتی): (شاخص TM IC)^۶ و (ناوبر اسکندیا TM)^۷

¹ Gil

² Lakatos and Marconi

³ Sveiby

⁴ ScoreboardTM

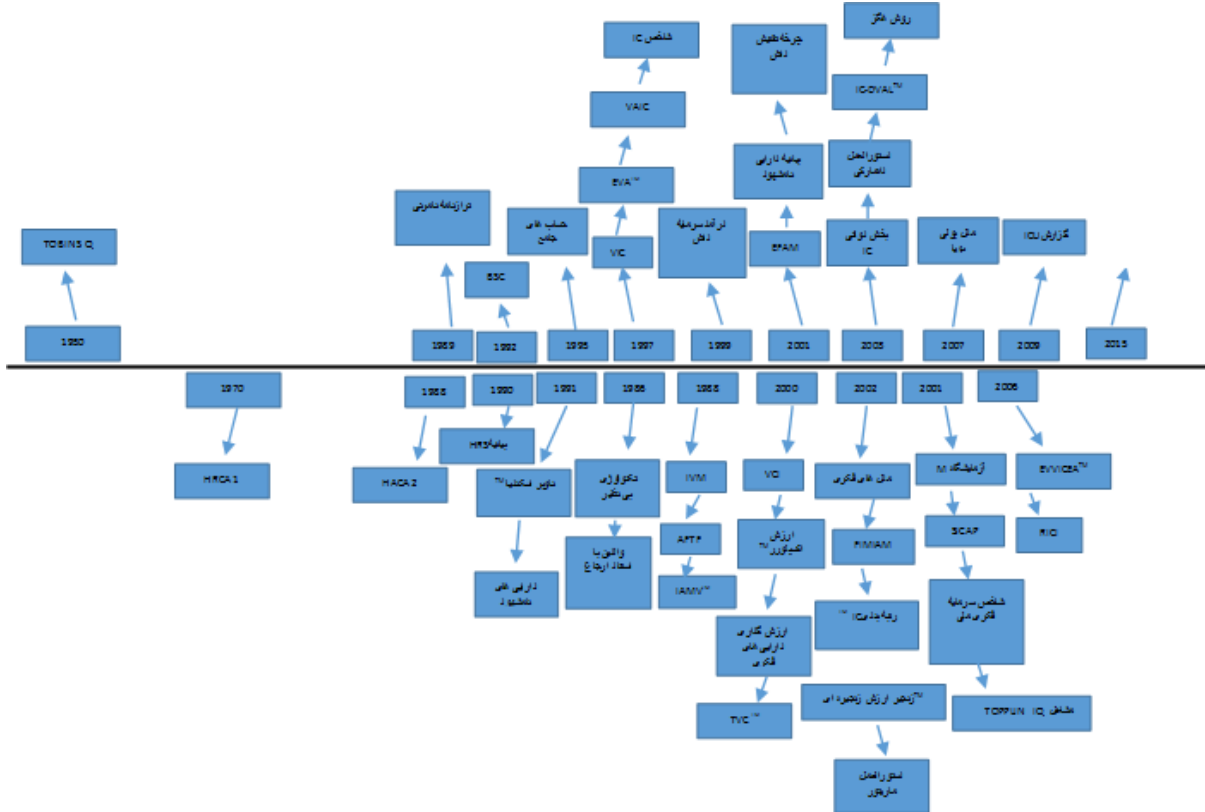
⁵ CIV

⁶ IC-IndexTM

⁷ Skandia NavigatorTM

(با مشارکت مالون)؛ اسوبیی: نظارت بر دارایی نامشهود و ترازنامه ی نامرئی. شکل ۱، جدول زمانی روش های ارزیابی دارایی های نامشهود را نشان می دهد.

در میان ۴۴ روش ارزیابی دارایی های نامشهود که در شکل ۱ ارائه شده است، ۳۱ تا از این روش ها برابر با ۷۰ درصد تعداد کل روش های مورد نظر است. در پاراگراف های بعدی اهداف روش ها ارائه می شوند، گروه بندی می شوند و جنبه های مشترک میان آنها مورد توجه قرار گرفته می شود.



شکل ۱: جدول زمانی روشهای اندازه گیری دارایی های نامشهود

هدف گزارش CIV توصیه هایی برای انتشار اطلاعات در مورد تحقیق دانشگاهی است که جنبش منطقی مدیریت و استراتژی داخلی (دیدگاه و اهداف سازمان) را برای انتشار شاخص ها و ملاحظه های جهت گیری های قبلی برای شرکت ها و برای دانشگاه ها؛ به تصویر بکشد.

علاوه بر این، هدف روش (ارزش اکسپلورر)^۱ شناسایی سرمایه فکری است که به لحاظ استراتژیک برای یک سازمان مهم است و همچنین روش EVVICATM که با هدف کمک به شرکت ها برای مقایسه ی فرصتهای استراتژیک توسعه ی محصول بالقوه و همچنین بازده تجاری احتمالی شان ایجاد شده است (اسوبی^۲، ۲۰۱۰).

در چارچوب این استراتژی، (کارت امتیازی)^۳ متوازن (کاپلان و نورتون^۴، ۱۹۹۲) قصد دارد استراتژی سازمانی را به اهداف عملیاتی که رفتار و عملکرد را هدایت می کنند، برگرداند. هدف روش تبیین جیمز نیز، اندازه گیری عملکرد موثر سرمایه فکری شرکت است؛ در حالی که روش ضریب فکری ارزش افزوده VAICTM که توسط پالیک (۱۹۹۷) توسعه یافته است، به دنبال اندازه گیری مقدار و نحوه ی تاثیرگذاری سرمایه فکری که میتواند ارزش سازمانی ایجاد کند، می باشد.

¹ Value Explorer

² Sveiby

³ ScoreCard

⁴ Kaplan and Norton

جنبه نوآوری نیز توسط زنجیره ی ارزش (کارت امتیازی) که در پی بهبود گزارشات سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود و نوآوری است، مورد توجه قرار گرفته است. روش Topplinjen/Business IQ^۱ با هدف ارزیابی محیط کار، مدیران و مشتریان، مراقبت از تجزیه و تحلیل و گزارش دهی، توسعه یافته است. از طرف دیگر، رهنمودهای دانمارکی^۲ به دنبال ارائه راهنمایی هایی در مورد چگونگی گزارش دهی شرکت ها نسبت به عمومیت دارایی نامشهود خوشان است.^۳

به طور مشابه، هدف از اظهارنامه ی دارایی های نامشهود، مدیریت منابع و انتشار مناسب اطلاعات درباره ی آنها است. به همان شیوه، SICAP^۴ با هدف اطلاع رسانی به اقدام کنندگان در مورد ظرفیت اداری برای تولید نتایج پایدار و امکانات بهبود مداوم، غلبه بر دیدگاه کوتاه مدت روش های حسابداری مالی سنتی، توسعه یافته است. برای دستیابی به نتایج پایدار، روش ارزش گذاری تجاری معین سرمایه گذار (IAMVTM)^۵ با هدف به دست آوردن یک مزیت رقابتی پایدار، ارزش واقعی یک شرکت را از ارزش تجاری و ارزش سهام آن تمییز می دهد.^۶

به همان شکل، IC-dVALT^۷ توسعه مزیت رقابتی را هدف گرفته است. از سوی دیگر، هدف IMFAM (روش اندازه گیری گیری دارایی های نامشهود) غلبه بر نقص های دیگر روش های ارزیابی سرمایه فکری و همچنین کمک به ایجاد ترازنامه کامل تر است؛ این روش همچنین منعکس کننده ی دارایی های مشهود و نامشهود سازمان ها نیز می باشد.

مدل مدیریت کیفیت بنیاد اروپایی EFQM نیز توسعه ی ابزار شناسایی، اندازه گیری و مدیریت دارایی های نامشهود را هدف قرار داده است. هدف از روش IC-IndexTM (روس و همکاران، ۱۹۹۷) این است که سیستمی برای تجسم و اندازه گیری سرمایه فکری ایجاد کند؛ در حالی که (رتبه بندی TM IC)^۸ (ادوینسون، ۲۰۰۲) قصد دارد کالاهای نامشهود و سرمایه فکری را به طور سیستماتیک مورد بررسی قرار دهد.

در میان ابعاد، چندین روش به منابع انسانی نزدیک میشوند، مانند مدل پولی دینامیک^۹ که ارزیابی کارکنان یک سازمان مشخص را هدف قرار داده است؛ با ملاحظه ی اینکه یک عنصر مهم و اساسی کسب و کار را تشکیل داده اند. به همین ترتیب، هزینه یابی و حسابداری منابع انسانی HRC A 2 و هزینه یابی و حسابداری منابع انسانی HRC A 1 موضوعات زیر را به ترتیب هدف گرفته اند: محاسبه ی تأثیر هزینه های منابع انسانی که می تواند سود سازمان را کاهش یا افزایش دهد؛ و برآورد دوره؛ شناسایی وظایف؛ محاسبه خدمات؛ تعیین ارزش پولی؛ محاسبه ی ارزش خدمت کارمند ویژه.^{۱۰}

علاوه بر این، ابعاد دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند ارزش گذاری دارایی های فکری که به دنبال تعیین ارزش دارایی فکری است. مدل Intellectus^{۱۱} به نوبه خود رفتار فرهنگ سازمانی را به عنوان هسته و ماهیت شرکت مورد بررسی قرار می دهد. از سوی دیگر، ایجاد ارزش کلی TVCTM^{۱۲} دارای هدف ارزیابی نحوه ی رویدادهای مختلفی است که می توانند بر فعالیت های از پیش طراحی شده، اثر بگذارند.

به طور متفاوت، ارزش افزوده اقتصادی EVATM^{۱۳} به دنبال اندازه گیری سودآوری کسب و کار واقعی است^{۱۴}؛ (ناوبر اسکاندینا) قصد دارد یک تصویر متعادل و جامع را از اقدامات مالی و سرمایه فکری ارائه دهد.^{۱۵} شاخص ایجاد ارزش VCI^{۱۶} ارزش گذاری وجود معیارهای غیرمالی مختلف را برای توضیح ارزش تجاری شرکت ها، هدف قرار داده است.

¹ Sandvik, 2004

² Danish Guidelines

³ Mouritzen et al., 2003

⁴ Sveiby, 2004, 2010

⁵ Ramirez, 2010

⁶ Standfield, 1998

⁷ Sveiby, 2004, 2010

⁸ Bonfour, 2003

⁹ IC RatingTM

¹⁰ Milost, 2007

¹¹ (Sveiby, 2004, 2010)

¹² Sanchez-Canizares et al., 2007

¹³ Andersen and McLean, 2000

¹⁴ Stewart, 1997

¹⁵ Edvinsson and Malone, 1997

¹⁶ Baum et al., 2000

سرانجام، درآمدهای سرمایه دانش^۱ با هدف تعیین ارزش سرمایه فکری سازمانی و ارزیابی میزان ارزش گذاری بیش از حد یا کمتر از حد شرکت ها در بازار سرمایه، توسعه یافته است. روش ارزش یابی فراگیر IVM، به نوبه ی خود تلاش می کند تا سهم دارایی های نامشهود را در سازمان اندازه گیری کند، آنها را قابل اندازه گیری کند، ارزش تجاری و ارزش سهامدار را برآورد نماید.

با توجه به تحقیق حاضر می توان گفت که مناسب ترین روش ها برای بخش عمومی عبارتند از: SICAP؛ IC بخش دولتی (بوسی^۲، ۲۰۰۳)؛ EFQM (بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت، ۲۰۰۳)؛ اظهارنامه ی دارایی های نامشهود (گارسیا^۳، ۲۰۰۱). چنین روش هایی برای ارزیابی دارایی های نامشهود به طور خاص برای سازمان های دولتی طراحی شده است. علاوه بر این، روش IC-dVALTM^۴ می تواند توسط هر دو سازمان دولتی و خصوصی نیز مورد استفاده قرار گیرد. روش های گزارش دهی ICU؛ EVVICAETM؛ IVM به نوبه خود، برای بخش خصوصی محبوب تر هستند. لازم به ذکر است که سایر روش ها می توانند در هر نوع سازمانی (بخش دولتی، خصوصی یا بخش سوم) مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر این، روش حسابداری برای آینده AFTF برای سازمانهای تجاری دولتی توصیه می شود.

۵.۱ تجزیه و تحلیل تحت نظر مدیریت کسب و کار:

اقتصادی و استراتژیک پژوهش حاضر به دنبال شناسایی شیوه های ارزیابی دارایی های نامشهودی است که با قوانین مدیریت شرکت، اقتصاد و استراتژیک مطابقت بیشتری دارد. برای رسیدن به این هدف، لازم بود معیارهایی را تعیین کنیم که نویسندگان خودشان را بر اساس آنها متکی کرده تا درجه ی پیوستگی هر روش به محتوایش را شناسایی نمایند. در بخش اول هر یک از سه بخش زیر، ادبیات در زمینه مدیریت مورد نظر ارائه شده است و سپس شدت پیوستگی آن به هر روش را میبینیم. در این زمینه، شدت پیوستگی یک روش به یک مدیریت مشخص می تواند "پیوستگی قوی"، "پیوستگی متوسط"، "پیوستگی ضعیف" یا "مطوبیت صفر".

۵.۱.۱ مدیریت کسب و کار

مدیریت شرکت به ساختارها و فرایندهایی اشاره دارد که به دنبال جهت و کنترل سازمانی هستند. این مدیریت توسط برنامه ریزی، اجرا، تأیید و مراحل عمل، مدیریت ریسک ها و تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی احتمالی در یک روش ساختار یافته و مداوم تشکیل شده است. علاوه بر این، مدیریت کسب و کار می تواند توسط تقویت عملکرد سازمانی، از جمله نتایج مالی بهتر به توسعه اقتصادی پایدار کمک کند (بوام و همکاران، ۲۰۰۰).

مدیریت کسب و کار به دنبال بهبود بهره وری و رقابت پذیری یک سازمان یا کسب و کار است. کواسنیکا (۱۹۹۵) معتقد است که برای مدیریت بهینه و دستیابی به نتایج خوب، ۴ تابع وجود دارد که او باید تکمیلشان کند. این توابع، مدیریت موثر و توانایی ایجاد نتایج خوب را هدف گرفته اند. نگاهی به آنها بیندازیم:

طراحی: از طریق تعریف اهداف و معیارها برای رسیدن به آنها، تولید پروژه های جدید، سودآوری برای شرکت؛

سازمان دهی: با هدف گروه بندی تمام منابع سازمانی برای ترویج کار گروهی و استفاده ی بهتر از دارایی های موجود.

جهت یابی: جهت، مرکب است از تاثیر گذاری با قصد انگیزش افراد؛

کنترل: بررسی و ارزیابی آنکه کدام مراحل تاکنون انجام شده و تصحیح نقایص به منظور فعال سازی تعیین کمیت پیشرفت و ترقی.

¹ Lev, 1999

² Bossi

³ García

⁴ Bonfour, 2003

۵.۱.۲ مدیریت اقتصادی

با توجه به مطالعه ی لیت و سانتوس (۲۰۱۳)، مدیریت اقتصادی علاقه بیشتری به اندازه‌گیری دارایی های نامشهود نشان داده است و می‌خواهد بدانند که برای خریدار چه مقدار ارزش دارند. یک دارایی نامشهود اضافه شده به دارایی های موجود دیگر می‌تواند مزیت رقابتی بیشتری را برای سازمان به ارمغان آورد، استراتژی و کسب و کار شرکت خریدار را اهرم فشار سازد. به عنوان مثال، روش ارزش افزوده اقتصادی (EVATM) به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده می‌شود که دانش و اندازه گیری عملکرد کسب و کار را در بر می‌گیرد و باعث ایجاد ارزش برای سهامدار می‌شود. EVATM از رویکرد سود اقتصادی حاصل می‌شود و به دنبال اندازه گیری ارزشی است که در یک کسب و کار و در یک دوره مشخص ایجاد می‌شود (لیت و سانتوس^۱، ۲۰۱۳).

برای مدیریت مالی شرکت مهم است که هزینه های مستقیم و غیرمستقیم و حاشیه مشارکت و همچنین عدم توانایی سرمایه انسانی، ماشین آلات و تجهیزاتی را که می‌توانند به عنوان تعیین کننده های سلامت سازمانی شناخته شوند، محاسبه کنند.

۵.۱.۳ مدیریت استراتژیک

بر اساس مطالعه ی لکومب (۲۰۰۴)، استراتژی، مجموعه برنامه ها و دستورالعمل هایی است که به منظور دستیابی به اهداف سازمانی به کار گرفته شده است. برای مثال، (کارت امتیازی) متوازن (کاپلان و نورتون، ۱۹۹۲) یک روش مدیریتی است که قادر به شناسایی نیازهای سازمانی است و همچنین میزان توانایی یک استراتژی کسب و کار برای رسیدن به نتیجه را میسنجد.

معیارهای تعریف شده برای مدیریت کسب و کار عبارت بودند از: بهره وری؛ ارزش افزوده؛ رقابت پذیری سازمانی؛ اقتصاد پایدار؛ دید سیستمیک؛ و عملکرد سازمانی. با توجه به مدیریت اقتصادی، معیارهای تعریف شده عبارتند از: عملکرد کسب و کار؛ ایجاد ارزش سهامدار؛ رویکرد مالی و پولی و سود اقتصادی. در نهایت، در آنچه که برای مدیریت استراتژیک اشاره دارد، معیارهای تعریف شده عبارتند از: نتایج، برنامه ها و دستورالعمل ها، اهداف سازمانی، اهداف استراتژیک، مزیت رقابتی و استراتژی سازمانی.

پیوستگی هر روش ارزیابی دارایی های نامشهود به زمینه مدیریت کسب و کار، اقتصادی و استراتژیک مشخص شد. شناسایی مناسب ترین زمینه رخ داده از تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده در ادبیات، در رابطه با روش های ذکر شده، پیوستگی را در: "پیوستگی قوی"، "پیوستگی متوسط"، "پیوستگی ضعیف" یا "مطلوبیت صفر" در ارتباط با زمینه مدیریت مورد نظر، طبقه بندی می‌کند.

در این مرحله از تجزیه و تحلیل داده ها، بر "پیوستگی قوی" برای یک زمینه مدیریت مشخص، متمرکز شده است. "پیوستگی قوی" مناسبتر در نظر گرفته میشود اگر یک سازمان به اعمال یک مدل خاص ارزشگذاری دارایی های نامشهود علاقمند باشد و شاید آن را طبق اهدافش و در مناسبترین زمینه انجام دهد.

در این راستا، روشهایی با پیوستگی قوی به زمینه مدیریت تجاری وجود دارد: NICI.SICAP.IAbM / Topplinjen / Business IQ، IC بخش دولتی، مدل (اینتلکتوس)^۲، FiMIAM، EFQM.RatingTM، کارگزار تکنولوژی، پتنت های وزن آوری استنادی، حساب های جامع، روش هاس. چنین روش هایی به طور گسترده ای به منابع سازمانی مربوط می‌شود و به دنبال افزایش رقابت پذیری سازمانی و ارزش افزوده هستند.

در ادبیات مربوط به مدیریت کسب و کار، اطلاعاتی به طور سیستماتیک وجود دارد؛ با توجه به این که می‌تواند از طریق تقویت عملکرد سازمانی به توسعه یک اقتصاد پایدار کمک کند. همچنین می‌تواند نتایج مالی خوبی را بدست آورد، زیرا به دنبال بهبود بهره وری و رقابت پذیری سازمان یا کسب و کار می‌باشد (شرکت مالی بین المللی^۳، ۲۰۱۵).

¹ Leite and Santos

² intellectus

³ International Finance Corporation

در مورد زمینه مدیریت اقتصادی، اشاره شده است که روش های: مدل پولی دینامیک، IC-dVALTM، چرخه‌ی حسابرسی دانش، VCI، ارزشگذاری دارایی فکری، درآمدهای سرمایه‌ی دانش، IVM، AFTF، IJMVTM، EVATM، (ناوبر اسکندیا)، (کارت امتیازی TM) متوازن، بیانیه HR، ترازنامه‌ی نامرئی، HRCA 1، HRCA 2 و تابینز کیو پیوستگی قوی با چارچوب مدیریت گفتگو را ارائه نموده‌اند. این یافته در رابطه با پیوستگی به زمینه مدیریت اقتصادی، توسط ادبیات حوزه توجیه شده است که حتی مثلاً از روش EVA[®] بعنوان یک ابزار برای مدیریت اقتصادی استفاده می‌کند. روش های پیوستن به چارچوب مدیریت اقتصادی می‌تواند دانش و اندازه گیری عملکرد کسب و کار را به وجود آورد، یعنی برای سهامداران ایجاد ارزش نماید. علاوه بر این، چنین روش هایی رویکردهای مالی و پولی مانند سود اقتصادی را در نظر می‌گیرند که به دنبال اندازه گیری ارزش در کسب و کار یک دوره ی مشخص است.

نهایتاً، در مورد زمینه مدیریت استراتژیک، اشاره شده است که روش های با پیوستگی قوی عبارتند از: گزارش‌دهی ICU؛ EVVICAETM، RIC1، رهنمودهای دانمارکی، (کارت امتیازی TM) زنجیره ارزش، رهنمودهای (مریتوم)^۱، اظهارنامه ی دارایی های نامشهود، (ارزش اکسپلورر TM)^۲، کارت امتیازی متوازن و TVCTM. لازم به ذکر است که روش کارت امتیازی متوازن به عنوان مثالی در ادبیات مرتبط با مدیریت استراتژیک ذکر شده است و توسط نویسندگان این حوزه مناسب در نظر گرفته میشود.

روش هایی که پیوستگی قوی به زمینه مدیریت استراتژیک دارند، علاوه بر اندازه گیری میزان استراتژی کسب و کاری که می‌تواند به نتیجه برسد، به دنبال تعیین نیازهای سازمانی نیز هستند. استراتژی با مجموعه ای از برنامه‌ها و دستورالعمل هایی که به منظور دستیابی به اهداف سازمانی ترسیم میشود، شکل می‌گیرد.

علاوه بر این، متون در مورد روش هایی که پیوستگی قوی به چارچوب مدیریت استراتژیک دارند، لزوم دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان با علاقمندی به مزیت رقابتی و یا استراتژی سازمانی را نشان می‌دهند. به گفته پورتر (۱۹۹۹)، استراتژی ها راه هایی هستند که سازمان ها می‌توانند برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده کنند. استراتژی، انتخاب فعالیت های متفاوت از رقبا و پیگیری مزیت رقابتی است.

۶. بحث و نتیجه گیری

مدیریت سرمایه فکری به عنوان فرآیند استخراج ارزش دانش شناخته شده است که می‌تواند برای سازمان سودمند باشد، در حالی که منابع نامشهود به عنوان سرمایه فکری در نظر گرفته می‌شوند. در این زمینه، در هنگام توصیف روش های ارزیابی دارایی های نامشهود و سرمایه فکری که مربوط به دانش سازمانی است، اعتقاد بر این است که این اطلاعات می‌توانند برای سازمان ها سوددهی داشته و نیز مدیریت آنها را تسهیل نماید.

هدف این تحقیق، "تجزیه و تحلیل روش های ارزیابی دارایی های نامشهود در زمینه مدیریت کسب و کار، اقتصادی و استراتژیک" است که در بخش "تجزیه و تحلیل داده ها" به آن رسیدیم. روش هایی که "پیوستگی قوی" به یک زمینه مدیریت معین دارند، ارائه شده است. تصمیم به برجسته نمودن "پیوستگی قوی" گرفته شد، زیرا ملاحظه میشود اگر هر سازمان علاقمند به اعمال یک روش خاص ارزشگذاری دارایی های نامشهود باشد و قادر به برآورده ساختن اهداف در مناسبترین زمینه باشد، این امر مناسب تر است.

در مورد مشارکت های مطالعه، اعتقاد بر این است که برخی یافته ها ممکن است برای مثال بدانند که کدام روش برای شرکت های دولتی یا خصوصی مناسب تر است؛ یا کدام روش ها تجربه خود را از کاربرد عملی گزارش می‌دهند و کدامشان مدل های نظری هستند (بدون کاربرد، بر طبق ادبیات مورد مطالعه برای توضیح تحقیق حاضر). ملاحظه شده است که چنین نتایجی ممکن است برای محیط سازمانی مناسب باشد، اگر هر شرکتی علاقمند به ارزیابی دارایی های نامشهود خود باشد.

¹ Meritum

² Value ExplorerTM

متأسفانه، عمیق‌تر شدن در همه روشهای ارزیابی داراییهای نامشهود امکان پذیر نبود؛ زیرا تعداد زیادی از نشریات در این موضوع و همچنین تنوع زیادی از روشهای موجود وجود دارد. از این مسئله میتوان نتیجه گرفت که این موضوع، به طور مستمر توسط محققان مورد مطالعه قرار میگیرد.

به نظر هاس (فرزین رضایی و همکاران) می توان گفت که به علت کمبود تحقیقات تجربی و همچنین این واقعیت که بعضی از روش ها بر دو فرض غلط متکی هستند، یک شکاف وجود دارد. این فرضیه ها شامل این می شود که ارزش دفتری، ارزش اقتصادی شرکت را نشان می دهد و همچنین معتقد است که ارزش تجاری، درست است. نویسندگان همچنین بیان می کند که "نقطه اصلی در فرایند ارزیابی شرکت، ارزیابی دارایی های نامشهود است."

به عنوان یک پیشنهاد برای تحقیق در آینده می توان روش های ارائه شده برای تعداد محدودی از نویسندگان (با یک نویسنده واحد) یا در یک دوره زمانی مشخص را مقایسه و یا تفسیر کرد. باید تأکید کرد که در تحقیق حاضر هیچ انتخابی (تعریف) از روشی خاص و مورد خاص مطالعه وجود نداشت. در این مورد، مطالعات تطبیقی و دقیق تری پیشنهاد می گردد. به دلیل آنکه این پژوهش یک تحقیق نظری بود، نمی توانست با تئوری ارائه شده با داده های تجربی مقابله کند و مقایسه های نظری و آنالیزهای بحرانی محدود شده بود؛ بنابراین، تحقیقات آینده می تواند به دنبال واقعیت های فراتر از آنچه که در این مطالعه توصیف شده است، مقایسه و گسترش یافته ها و دانش در مورد موضوع مورد بحث و همچنین انجام تحقیقات تجربی، باشد.

منابع

۱. قلیچ لی، بهروز؛ مشبکی، اصغر (۱۳۸۵)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری در سازمان، مطالعه دو شرکت خودروسازی، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۷۵، صص ۱۲۵ - ۱۴۷
۲. انواری رستمی، علی اصغر؛ سراجی حسن (۱۳۸۴) مقاله سنجش فکری و بررسی رابطه میان سرمایه فکری و ارزش بازار سهام شرکتهای/بورس اوراق بهادار تهران- مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی شماره ۳۹
۳. محمدی کامران (۱۳۸۸)، مقاله سرمایه فکری گنج تمام نشدنی سازمان، محسن دستگیر- مجله تدبیر شماره ۲۱۴
۴. مدهوشی مهرداد؛ اصغر نژاد امید، مهدی (۱۳۸۸)، سنجش سرمایه فکری و بررسی رابطه آن با بازده مالی شرکتهای، بررسی حسابداری و حسابرسی شماره ۵۷
۵. رضایی، فرزین؛ همتی، حسن؛ کارگر شاملو، بهرام (۱۳۸۹) سرمایه فکری و عملکرد مبتنی بر ارزش و سرمایه فکری، تحقیقات حسابداری، پاییز ۸۹، دوره ۲ شماره ۷ صص ۵۲-۷۰
۶. نهمیان، فرشید؛ قلی زاده، حسن؛ باقری، فاطمه (۱۳۹۲)، سرمایه فکری و روش های اندازه گیری آن، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت ۱۳۹۲

7. Abbot, J. L., Park, Y., & Parker, S. (2000). The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud. *Managerial Finance*, 26(11), 55-67.
8. Andersen, R. and McLean, R. (2000), "Accounting for the creation of value", Ongoing Research Project Sponsored by the Canadian Institute of Chartered Accountants, Canadian Institute of Chartered Accountants, Toronto, ON, pp. 474-488
9. Andriessen, D. and Tiessen, R. (2000), "Implementing the KPMG value explorer: critical success factors for applying ic measurement tools", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 6 No. 4, pp. 474-488
10. Baum, C.I., Larcker, D., Low, J., Siesfeld, T. and Malone, M.S. (2000), "Introducing the new Value Creation Index", *Forbes*, Vol. 4 No. 3, pp. 1-4

11. Bontis, N. (2001), "Assessing knowledge assets: a review of the models used to measure intellectual capital", *International Journal of Management Reviews*, Vol. 3 No. 1, pp. 41-6
12. Davenport, T.H., Eccles, R.G. and Prusak, L. (1998), "Política de Informação", in Klein, D.A. (Ed.), *A gestão estratégica do capital intelectual: recursos para a economia baseada em conhecimento*, Qualitymark, Rio de Janeiro, pp. 1-360.
- Edvinsson, L. (2002), "Some perspectives on intangibles and intellectual capital 2002", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1 No. 1, pp. 12-16, available at: <http://dx.doi.org.ez46.periodicos.capes.gov.br/10.1108/14691930010371618> (accessed November 12, 2016)
13. Flamholtz, E. (1985), *Human Resource Accounting and Effective Organizational Control: Theory and Practice*, Jossey Bass, San Francisco, CA.
14. Freire, P.S. (2012), "Engenharia da integração do capital intelectual nas organizações intensivas em conhecimento participantes de fusões e aquisições", *Doutorado em Engenharia e Gestão do Conhecimento*, Universidade Federal de Santa Catarina, 354 f., available at: <https://repositorio.ufsc.br/bitstream/handle/123456789/100457/314914.pdf?sequence=1&isAllowed=y> (accessed November 16, 2016).
15. Johansson, U. (1996), "Human resource costing and accounting", available at: www.sveiby.com/articles/OECDartUlfjoh.htm (accessed November 12, 2016). Joia, L.A. (2001), "Medindo o capital intelectual", *RAE – Revista de Administração de Empresas*, Vol. 41 No. 2, pp. 54-63, available at: www.scielo.br/pdf/rae/v41n2/v41n2a06 (accessed November 12, 2016). Kaplan, R.S. and Norton, D.P. (1992), "The balanced scorecard measures that drive performance", *Harvard Business Review*, January-February, pp. 71-79
16. Klein, D.A. (1998), *A Gestão Estratégica do capital intelectual: recursos para a economia baseada em conhecimento*, Qualitymark, Rio de Janeiro, pp. 1-360
17. Kwasnicka, E.L. (1995), *Introdução à administração*, Atlas, São Paulo.
18. Lacombe, F. (2004), *Dicionário de administração*, Saraiva, São Paulo.
19. Lakatos, E.M. and Marconi, M.A. (1986), *Fundamentos de Metodologia Científica*, Atlas, São Paulo. Leite, T.S. and Santos, D.F.L. (2013), "A relação dos ativos intangíveis e o valor de mercado na indústria de materiais básicos do Brasil", *Revista Brasileira de Administração Científica*, Aquidabã, Vol. 4 No. 1, pp. 104-121, available at: [10.6008/ESS2179-684X.2013.001.0007](http://dx.doi.org/10.6008/ESS2179-684X.2013.001.0007) (accessed November 12, 2016)
20. Mouritzen, J., Bukh, P.N., Flagstad, K., Thorbjørnsen, S., Johansen, M.R., Kotnis, S., Larsen, H.T., Nielsen, C., Kjærgaard, I., Krag, L., Jeppesen, G., Haisler, J. and Stakemann, B. (2003), *Danish Guidelines: Intellectual Capital Statements – The New Guideline*, Ministry of Science and Education Denmark, Copenhagen.
21. Müller, A.N. and Teló, A.R. (2003), "Modelos de avaliação de empresas", *Revista FAE*, Curitiba, Vol. 6 No. 2, pp. 97-112, available at: http://oscar.renno.nom.br/Projetos/08_AderbalEVA.pdf (accessed November 19, 2016).

22. Perez, M.M. and Famá, R. (2006), "Ativos intangíveis e o desempenho empresarial", *Revista Contabilidade e Finanças*, Vol. 17 No. 40, pp. 7-24, available at: www.scielo.br/pdf/rcf/v17n40/v17n40a02.pdf (accessed November 29, 2016).
23. Pulic, A. (1997), "The physical and intellectual capital of Austrian banks", available at: <http://irc.mcmaster.ca> (accessed November 29, 2016)
24. Ramirez, Y. (2010), "Intellectual capital models in Spanish public sector", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 11 No. 2, pp. 248-264
25. Rezende, Y. (2001), "Informação para negócios: os novos agentes do conhecimento e a gestão do capital intelectual", *Caderno de Pesquisas em Administração*, Vol. 8 No. 1, pp. 75-83,
26. Rodrigues, H.M.S.S., Dorrego, P.F.F., Fernández, C.M. and Fernández, J. (2009), "La influencia del capital intelectual en la capacidad de innovación de las empresas del sector de automoción de la Euroregión Galicia Norte de Portugal", Tese (Doutorado) – Universidade de Vigo, Vigo,
27. Roos, J., Roos, G., Dragonetti, N.C. and Edvinsson, L. (1997), *Intellectual Capital: Navigating in the New Business Landscape*, Macmillan, Houndsmills, Basingtoke.
- Sanchez, P., Elena, S. and Castrillo, R. (2009), "Intellectual capital dynamics in universities: a reporting model", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 10 No. 2, pp. 307-324
28. Sanchez-Canizares, S., Ayuso Munoz, M.A. and Lopez-Guzman, T. (2007), "Organizational culture and intellectual capital: a new model", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 8 No. 3, pp. 409-430.
29. Sandvik, E. (2004), "Topplinjen – Sannseapparatet som gjør bedriften smartere", available at: www.humankapitalgruppen.no (accessed November 12, 2016)
30. Schiuma, G. and Marr, B. (2001), "Managing knowledge in ebusinesses: the knowledge audit cycle", 1st ed., *Profit with People*, Deloitte and Touche, London.
31. Schiuma, G., Lerro, A. and Carlucci, D. (2008), "The knoware tree and the regional intellectual capital index: an assessment within Italy", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 9 No. 2, pp. 283-300
32. Schmidt, P. and Santos, J.L. (2002), *Avaliação de ativos intangíveis*, Atlas, São Paulo.
- Silva, R., Bilich, F. and Gomes, L.F.M. (2002), "Avaliação, Mensuração e Otimização de Ativos Intangíveis: utilização de método de apoio multicritério no Capital Intelectual", *Encontro da Associação Nacional dos Programas de Pós-graduação em Administração – ANPAD*, Salvador, BA.
- Standfield, K. (1998), "Extending the intellectual capital framework", Vol. 1 No. 1, available at: www.knowcorp.com/article075.htm (accessed November 12, 2016).
33. Silva, R., Bilich, F. and Gomes, L.F.M. (2002), "Avaliação, Mensuração e Otimização de Ativos Intangíveis: utilização de método de apoio multicritério no Capital Intelectual", *Encontro da Associação Nacional dos Programas de Pós-graduação em Administração – ANPAD*, Salvador
34. Stewart, T.A. (1997), *Intellectual Capital: The New Wealth of Organizations*, Doubleday/Currency, New York, NY.
- Stewart, T.A. (2001), *The Wealth of Knowledge: Intellectual Capital and the Twenty-first Century Organization*, Doubleday, New York, NY

35. Sullivan, P.H. (2000), *Value-driven Intellectual Capital How to Convert Intangible Corporate Assets IntoMarket Value*, Wiley, NJ.
36. Sydler, R., Haefliger, S. and Pruksa, R. (2014), “Measuring intellectual capital with financial figures: can we predict firm profitability”, *European Management Journal*, Vol. 32 No. 2
37. Sydler, R., Haefliger, S. and Pruksa, R. (2014), “Measuring intellectual capital with financial figures: can we predict firm profitability?”, *European Management Journal*, Vol. 32 No. 2, pp. 244-259, available at: www.journals.elsevier.com/european-management-journal (accessed November 12, 2016).
38. Wernke, R. (2002), “Identificação de potenciais geradores de intangíveis”, Tese (Doutorado) – Universidade Federal de Santa Catarina, Centro Tecnológico. Programa de Pós-Graduação em Engenharia de Produção. Florianópolis-SC, 2002, available at: <https://repositorio.ufsc.br/bitstream/handle/123456789/84208/189150.pdf?sequence=1> (accessed November 12, 2016).

Methods of Evaluation of Intangible Assets and Intellectual Capital

Abdolkarim Moghadam¹, Nadia Salmani²

1- Associate Professor at Payam Noor University, Asalouyeh Branch

2- Master Student of Payam Noor University

Abstract

The competitive model has changed. In this context, society entered into an era in which intangible assets are the greatest assets of a company. However, some gaps and uncertainties are presented in the literature as to understand the value of a company based on knowledge intensive activities. The purpose of this paper is to analyze the methods of evaluation of intangible assets in the context of business, economic and strategic management. This is a qualitative research. This research is characterized as descriptive, bibliographic, inductive. The main results of this research can highlight the existence of valuation methods of intangible assets intended for specific industries, as public and/or private, that can be better aligned to the context of business; economic and/or strategic management. It was found that intangible assets are a current topic and increasingly addressed in the literature.

Keywords: Methods, Intellectual Capital, Intangible Assets, Valuation Methods.
